

سانست لیمیتد

کورمک مک کارتی

محمد رضا شکاری



www.ketab.ir

سرشناسه: مکاریتی، کورمک، ۱۹۳۳ م. McCarthy, Cormac
عنوان و نام پدیدآور: سانسیت لیمیتد/ کورمک مک کارتی؛ مترجم محمدرضا شکاری.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات یکشنبه، ۱۳۹۶
شناسه افزوده: شکاری، محمدرضا، ۱۳۶۷-، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ق ۱۴/ ک ۲۵۶۹ PS
رده‌بندی دیوینی: ۸۱۳/۵۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۴۳۲۸۷
عنوان اصلی: The Sunset Limited, 2005.

دنیای قاتل یکشنبه

زیر نظر

غلامحسین دولت‌آبادی/ آراز بارسقیان

کتاب مک کارتی

سانسیت لیمیتد

مترجم محمدرضا شکاری

طراح یونیفرم: آرش تهرانی

تصویرسازی روی جلد: سوره ناز باریان

امور پیش از چاپ: نشر یکشنبه

امور چاپ: هنگام

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۲۰۳-۱-۳

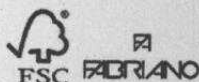
www.sundaypub.ir



@Sundaypub



t.me/Sundaypub



نشر یکشنبه

© حق انتشار برای انتشارات یکشنبه محفوظ است.

هر گونه اجرا از این نمایشنامه منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر و مترجم است. هر گونه برداشت و اجرای دانشجویی، چه در قالب کارهای کلاسی، چه اجراهای دانشگاهی، برای دانشجویان آزاد است. اجرای بخشی، قسمت و برداشت‌های آزاد از متن برای افراد حرفه‌ای تنها با هماهنگی ناشر و مترجم میسر است.

اجرا برای شهرستان‌ها آزاد است.

پیش‌گفتار

کورمک مک‌کارتی در سال ۱۹۳۳ در رودآیلند آمریکا به دنیا آمده است. چهار سال بعد چون پدرش وکیل بوده به ناکسویل تسی نقل مکان می‌کنند و کورمک هم در همان جا بزرگ می‌شود و در سال ۱۹۵۱ به دانشگاه می‌رود. تحصیلاتی که هیچ‌وقت تمامش نمی‌کند. اولین داستان‌هایش در سال‌های ۵۰ و ۶۰ چاپ می‌شوند و چند جایزه را نصیب او می‌کنند. اولین رمانش **نگهبان باغ** را در سال ۱۹۶۵ منتشر می‌کند.

حالا او در عرصهٔ مان‌نوویسی آدم مهمی است و اغلب جایزه‌های ادبی مثل پولیتزر و کتاب ملی و همین‌طور جایزه پن، مان بلورا برده، و یکی از نامزدهای همیشگی کسب جایزه نوبل بوده و هست. نظریات خاص خودش را هم دارد و شاید این‌گونه حرف‌هایش به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید. مثلاً از مارسل پروست و هنری جیمز خوشش نمی‌آید. ولی نویسنده‌های محبوب او ویلیام فاکتور، فنودور داستایوسکی و هرمان ملویل هستند. این را می‌شود کم‌وبیش از نوشته‌های خودش هم فهمید.

از بهترین رمان‌های او می‌شود به **فرزند خدایان** برای پیرمردها نیست و همین‌طور سه **گانه‌ی مرز** اشاره کرد.

کتاب حاضر از آخرین نوشته‌های کورمک مک‌کارتی به حساب می‌آید. او قبلاً هم در سال ۱۹۹۵ شانس خودش را در نمایش‌نامه‌نویسی امتحان کرده بود. کتاب **مگ‌تراش** را نوشته بود. نمایش‌نامه‌ای پنج‌پرده‌ای که البته خیلی هم موفق نبود. اما مک‌کارتی در سال ۲۰۰۶ یک بار دیگر به تئاتر روی آورد و نمایش‌نامه **سانست لیمیتد** را منتشر کرد. این بار کاملاً در نظر گرفت و نه تنها اجراهای متعدد و موفقی داشت، بلکه منتقدان و خوانندگان عادی را به تعجب واداشت. نه به خاطر برتری این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر او. بلکه به خاطر فضای کلی و نوع **کتاب‌گو**های دو شخصیت این نمایش‌نامه. مک‌کارتی در این کتاب از آن غرب دور و گردو خاک گرفته و گرم کتاب‌های دیگرش جدا شده و با طی کردن مسافتی طولانی، محل وقوع نمایش خود را به شرق آمریکا و شهری مثل نیویورک مدرن آورده و با استفاده از کلمات عامیانه بسیار، دست به خلق این اثر زده است. اثری در مورد کشمکش بین دو مرد، یکی سیاه‌پوست و دیگری سفیدپوست. اثری که منتقدان آن را بیش‌تر یک رمان می‌دانند تا یک نمایش‌نامه. مسئله‌ای که در عنوان نمایش‌نامه هم دیده می‌شود.

سانست لیمیتد اولین بار در شیکاگو و بعد در نیویورک اجرا شد. تامی لی جونز هم در سال ۲۰۱۱ بر اساس آن فیلمی ساخت که به همراه ساموئل ال جکسون در آن به ایفای نقش پرداخت. گفتنی‌ها در مورد کورمک مک‌کارتی و این کتاب را تمام می‌کنم - خوشبختانه او برخلاف خیلی از نویسنده‌های دیگر در ایران کاملاً شناخته شده است و چند رمانش ترجمه شده - و یک نکته در مورد ترجمه می‌گوییم؛ سانست لیمیتد نوعی قطار است که در آمریکا مسافرها را از جایی به جای دیگر می‌برد. و چون اسم است نمی‌شود ترجمه‌اش کرد. من یک عنوان فارسی برای کتاب انتخاب کردم و اسم اصلی را هم در زیر آن آورده‌ام. همین.

محمد رضا شکاری

www.ketab.ir